



خیلواکی

استقلال

www.esteghlal.net

پنجشنبه ۲۶ اکتوبر ۲۰۲۳

سید همایون شاه (عالمی)
ارسالی: سلیم سالم

زبان دری و مهد آن

... پیوسته به گذشته

قسمت چهارم

حبیبی می نویسد که:

"کشف کتیبه های بغلان که با رسم الخط یونانی (از نوع خمیده کوشانی) و با زبان تخاری یا دری قدیم نوشته شده، کاملاً پرده از روی حقایق برداشت. حدسیات و تخمین های دانشمندان را که فارسی دری را از منشاء پهلوی ساسانی و گاهی مولود مختلط پهلوی و عربی و غیره می دانستند، باطل نمود"

مرحوم پوهاند عبدالحی حبیبی

عبدالحی حبیبی می افزاید که:

"این نظر جدید علمی که زبان دری افغانستان از پهلوی نژائیده، اکنون یک سند قوی و واضحی را پیدا کرده، که آن عبارت از کشف سنگ نبشته مکشوفه بغلان را به زبان دری و رسم الخط یونانی می بینیم، اعتراف می کنیم، که زبان دری کنونی از پهلوی منشعب نشده، بلکه در مدت یکهزار و هشتصد سال تا دو هزار سال پیش از این در تخارستان تاریخی زبان تکلم و تحریر و ادب دربار بوده ... کشف این سنگ نبشته گرانبها، تحولی را در علم زبان شناسی و تاریخ ادبیات افغانستان بوجود می آورد و عقاید کهنه را متزلزل می گرداند." و "... زبان دری بشکلی که در این نوشته ثبت شده در حدود قرن اول و دوم میلادی یعنی دو هزار سال قبل وجود داشت."

پوهاند حبیبی در شرح هفت کتیبه قدیم می نویسد که: "کتیبه سرخ کوتل بغلان که در حدود ۱۶۰ میلادی به زبان تخاری (دری قدیم) نوشته شده است، نشان می دهد که زبان دری قبل از ورود اعراب به این سرزمین رایج بوده است و جر و بحث مورخین و باستان شناسان که عمدتاً

در حاشیه غربی و جنوب غربی قلمرو زبان فارسی متمرکز است، نتیجه ای نداد. زیرا در حدود مذکور زبان پهلوی رایج بوده است."

سنگ نوشته بغلان در سال ۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱م) از یک معبد دوره کوشانی از سرخ کوتل بغلان (در ۲۰۰ کیلومتری شمال کابل) کشف گردید و قدامت بیش از یک هزار و هشتصد سال از امروز دارد. این سنگ نوشته به زبان دری و رسم الخط یونانی نوشته شده است. کشف و مطالعه آن بر نظریه اینکه خراسان و فرارود مهد پیدایش زبان دری است که پیش از اسلام رواج داشته، صحه گذاشت.

پرفسور عبدالاحمد جاوید که پژوهش‌های گسترده ای در مورد زبان و ادب فارسی دارد، می نویسد:

"... وجود زبان دری پیش از اسلام ثابت است. از قرن اول و دوم به جز چند شعر هجائی آثار دیگری به ما نرسیده، اما در قرن سوم است گویندگانی در بلخ، بخارا، هرات و سیستان پدید آمدند و بنیان ادب دری را گذاشتند. چنانچه در همین آوان یک بیت شعر، یک رساله و یا یک کتاب در سراسر ایران امروز به زبان دری بوجود نیامده است و اصولاً هم نباید باشد." پرویز ناتل خانلری یکی از چهره های شناخته شده ادبی ایران تاکید می کند: "منطقه رواج و رونق فارسی دری ابتدا در شرق و شمال شرق ایران بود..." و شاعران آن دوران ... غالباً به یکی از شهرهای بخارا، سمرقند، هرات، بلخ، ... و آبادی های دیگر خراسان منسوب هستند." به نظر بسیاری از پژوهشگران و خاورشناسان، زبان پارسی دری از سرزمین های خراسان و فرارود برخاسته و در همین حوزه پرورده شده و اغلب شهرهای آن از جمله بخارا و بلخ، سمرقند و غزنه، هرات و نیشاپور از دیرگاهی مرکز علم و ادب بوده اند. بدین ترتیب زبان دری زبان بیگانه و وارداتی نبوده در همین سرزمین زاده و پرورده شده است."

میرغلام محمد غبار مورخ شهیر افغانستان بر این عقیده است که: "زبان دری اصلاً در مناطق دو طرف رود جیحون"، یعنی سرزمین های ماوراءالنهر و خراسان قدیم قبل از اسلام بوجود آمده است و به قول نویسنده کتاب "سرنوشت فارسی تاجیکی فرارود در قرن ۲۰"، محمد جان شکوری "... فارسی دری در خراسان از جمله در ماوراءالنهر بیش از اسلامیت رواج داشت و به درجه زبان شعر رسیده بود..." در برپایی و تحول زبان دری زبان های بومی این خطه بویژه (بخصوص) زبان سغدی که روزگاری زبان ارتباطی "راه ابریشم" و زبان علمی

آسیای میانه بوده و به گفته دکتر احسان یارشاطر، مدیر دانشنامه ایرانیکا / Encyclopedia Iranica، زبان بین‌المللی آسیای مرکزی به شمار می‌رفت و تا چین نفوذ داشت، نقشی مؤثر و قوی داشته است.

مرحوم میر غلام محمد غبار

سعید نفیسی استاد پیشین دانشگاه تهران می‌نویسد: "... به دلایل بسیار بر من مسلم است که سرزمین اصلی زبان دری، خراسان و ماوراءالنهر بوده ... و بعداً زبان دری در نواحی ایران که قلمرو اصلی آن نبوده انتشار یافت، ..."

خراسان اجباراً در اوایل دوره اسلامی و حتی تا چندین قرن پس از اسلام آثار خود را غالباً به زبان عربی، که زبان دینی و علمی مسلمانان جهان بود، می‌نوشتند.

سعید نفیسی

« بهار » در سطور بالا این حادثه را بازگو میکند که طغرل سلجوقی تا سال ۱۰۶۲ م بر بغداد مسلط گردید و بدست او وحدت سیاسی ایران مجدداً تأمین شد. درین وقت بود که عمیدالملک کنوری وزیر فاضل همین پادشاه فرصت را مساعد یافته و دفاتر فارس را از عربی به دری برگردانید.

دراین شک نیست که با ترویج اسلام زبان عربی بر زبان دری اثر گذاشت و شمار زیادی از اصطلاحات و لغات عربی در زبان دری بکار گرفته شد. اما بکارگیری کلمات عربی در راه تکامل زبان دری مانعی را بوجود نیاورد، برعکس « اقتباس وزن و قافیه از شعر عربی کمک کرد که اشعار دری نیز مانند زبان عربی موزون و مقفی باشد. »

یعنی ادب زبان عربی اثراتی را در شیوه ای نگارش زبان دری از خود بجا گذاشت. این اثر گذاری از نظر مرحوم محمد رحیم الهام سبب شد که ادبای ما « در تحقیق و نگارش دستورهای زبان دری قهراً تحت تاثیر روش دستور زبان عربی واقع شدند. چنانچه وقتی به این دستور ها نظر بیندازیم گمان میکنم که مولفان، کتب صرف و نحو زبان عربی را اساس کار خود قرار داده، اصول و کلیات را از آنها ترجمه نموده و مثالها را تا حد ممکن از زبان دری آورده باشند. بنابر آن بجای اینکه ساختمان و نظام زبان دری را به روش مشاهده و استقرار شرح کرده باشند، اصول و قواعد ساختمان و نظام عربی را بر دری تطبیق نموده اند و از تشریح ساختمان زبان دری چنانکه توسط اهل زبان بکار میرفته غافل مانده اند. »

بررسی ها نشان میدهد که « از اواسط قرن پنجم هجری، نثر عربی در نثر دری تاثیر کرد، جمله ها طولانی شد و لغت های عربی رو به زیادی گذاشت. »

ولی این افزایش در آن سطحی نبود که سبب تخریب زبان دری شود.

اکثر دودمانهای حاکمه خراسان چنانچه قبلاً گفته شد، به بسط و توسعه زبان دری علاقمند بوده و در این راه خدمات بزرگی را انجام دادند. محمود غزنوی (۳۶۰ - ۴۲۱ ق) خود ناشر زبان دری در داخل و خارج افغانستان بود. در دوره غزنوی ها « ادبا و دانشمندان مشهوری مانند فردوسی و ابوریحان در غزنه زندگی داشتند. شهر غزنه که کانون ادب دری در آسیای وسطی بود، شعرایی چون عنصری، فرخی، سنایی، مسعود سعد، ابوالفرج و سید حسن (غزنوی) را میپرورید.»

همچنان بلخ مهد تولد و پرورش نویسندگان و شعرای بزرگ مانند دقیقی، ابوشکور بلخی، ابوعلی سینای بلخی، (متولد افشنه در ۲۰ فرسخی بخارا) ابوالموید بلخی، ناصر خسرو و قبادیانی بلخی و بالاخره مولانای بزرگ جلال الدین بلخی و دیگران بود. از ولایت هرات شعرا و نویسندگان زیادی در بوستان ادب دری قامت افراشته اند که خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶ - ۳۸۱ ق) ...

در قرن نهم هجری بالآخر توجه سلاطین تیموری، هرات در عرصه های علمی، ادبی و هنری عظمت و شهرت فراوان کسب کرد. در همین وقت بود که کانون فرهنگی معتبری بنام « مکتب هرات » پدیدار شد. گرچه این مکتب بیشتر معرف نقاشی، میناتور و خطاطی بود و در عرصه شعر همان خصوصیات « سبک عراقی » رواج داشت، ولی باید اذعان نمود که ادبیات آن عصر جولانگاه خیال، مضمون و موضوعات میناتور مکتب هرات را بسیار توسعه داد. زیرا نقاشان این دوره اشعار حماسی و عشقی شاعران سرآمد روزگار شان را مصور می ساختند. استاد کمال الدین بهزاد نقاشی های ماندگاری را در این عصر آفرید که برای هنرمندان معاصر و خلف اش الهام بخش بود.

پس از سقوط دولت تیموری بسال ۱۵۰۵ برای چندین قرن ادبیات دری در مسیر انحطاط قرار گرفت. خراسان میان صفویها، مغلها و شیانی ها تجزیه شد. بی امنیتی، جنگها و رقابت های هر سه قدرت زمینه ها و رونق علم و ادب را در سرزمین افغانها به مخاطره انداخت. مراکز شعر و ادب ازین سرزمین به مراکز قدرت هر سه نیرو اشغالگر در اصفهان، سمرقند و دهلی منتقل شد. پس از کوتاه شدن تسلط صفویها و مغولها، همچنان منحل شدن ازبیک های ماورالنهر در سیستم اداری شمال، هنوز هم مجال رونق علم و ادب وجود نداشت. زیرا دولت های کوچک منظوقی (مانند هوتکی های قندهار و ابدالی های هرات)، جنگهای طولانی و فرسایشی میان اولاده های تیمورشاه و سردار پاینده خان و حملات پی هم استعمار انگلیس در این سرزمین، زمینه های تکامل زبان دری را خیلی محدود میساخت.

پس از این همه نابسامانی ها و فترتی طولانی در ادب دری، افغانستان وارد قرن بیستم شد. این پنج قرن که با آغاز جنبش تجدد خواهی پایان یافت، زمانی رقت باری بود که میتوان آنرا دوره ای انحطاط ادبیات زبانهای باشندگان خراسان از آنجمله ادب دری نیز نام نهاد.

در دوره انحطاط، ادب دری « بیشتر از پیش تحت تاثیر زبان عربی واقع شد و لغات و کلمات تازی سیل آسا داخل زبان دری گردید. این تاثیر بجایی رسید که هشتاد الی نود درصد کلمه های زبان دری را لغات و ترکیبات عربی تشکیل میکرد. فقره ها و جمله ها و امثال حکم و اشعار تازی فزونتر گردید و برخی از آن مختصات صرفی عربی نیز در زبان دری وارد شد، لغات مغلی و ترکی هم بیشتر درین زبان راه یافت.»

تا آنکه همراه با جنبش های تجدد خواهی، بخصوص جنبش مشروطیت، فصلی از رونق ادب دری مجددا گشوده شد، در عصر تجدد خواهی نیز به اثر باز شدن روابط (و تماس با کشورهای غربی) ، کلمه ها و مصطلحات بیشتر انگلیسی و فرانسوی وارد این زبان شده و در همین عصر که دوره ترجمه از زبانهای اروپایی است - مانند دوره غلبه ای زبان تازی (از قرن ششم هجری تا همین اواخر) - بدبختانه از نظر برخی قواعد دستوری و طرز جمله بندی هم اندکی زیر تاثیر زبانهای بیگانه کشانیده شده است.»

گروهی از دانشمندان با دستورهای زبانی غربی آشنا شده، این دستورها و یا دستورهایی را که غربیان برای دری زبانان نوشته بودند، منبع تقلید خود قرار دادند. به این ترتیب دستور نویسی زبان دری مستقیماً به شیوه ای دستور نویسی غربی آغاز شد.

به هر حال جنبش مشروطیت شرایط را به خواست منورین افغان مساعد ساخت و سراج الاخبار به قلم بدستان فرصت تبارز فکر و اندیشه را داد.

کنج شایگان

ادامه دارد....